

وقتی که با این سه هنرمند سینمای کودکان و نوجوانان قرار گذاشتیم هنوز هم به «علی کوچولو»، «علی و غول جنگل» و نوجوان تنها و گوشه گیر فیلم «می خواهم زنده بمانم» فکر می کردم، قول و قرارها گذاشته شد و این عزیزان به دفتر مجله آمدند (دفتر که چه عرض کنم، جایی که مجله حرفچینی می شود و اطاقکی ۶ متری که خواسته بودیم برای آن ساعت در اختیار ما باشد) با دیدن آنها به یاد گذشت ایام افتادم و اینکه عمر چه زود می گذرد. بچه های کوچولوی دیروز، حالا هر کدام برای خودشان مردی شده بودند، یکی با قد و قامت بلند و رشید و در قد و قواره یک جوان برومند، دیگری با محاسن ترد و آن یکی نیز اینچنین، علی کوچولو، حالا مردی شده است و بقیه بچه ها نیز همینطور. گفتگو با این جوانان هنرمند بسیار شیرین بود، من که لذت بسیاری از همنشینی با آنها بردم، امیدوارم ماحصل این دیدار چند ساعته برای شما هم جذاب و شیرین باشد:

گفتگو با امید آهنگر، سعید شیخ زاده و سیام محمدپور

بچه های

دیروز،

جوانهای

امروز

حسین فرخی

□ برای شروع گفتگو، بهتر است از معرفی خودتان شروع کنید. چند سال دارید کجا به دنیا آمده اید و حالا چکار می کنید؟ امید آهنگر: من متولد سال ۱۳۵۸ - در تهران، محله دروازه دولاپ هستم الان ۱۸ سال دارم و در کلاس دوم هنرستان صدا و سیما در رشته بازیگری و کارگردانی درس می خوانم و یک خواهر و برادر کوچکتر دارم.

سعید شیخ زاده: در سال ۱۳۵۷ در محله آریاشهر تهران به دنیا آمدم. در حال حاضر ۱۸ سال دارم و سال آخر دبیرستان هستم، رشته تحصیلی من ریاضی است فرزند دوم خانواده هستم، ۵ برادر و یک خواهر دارم.

سیام محمدپور: متولد سال ۱۳۶۰ و کلاس اول دبیرستان هستم. یک خواهر کوچکتر از خودم دارم که هشت ساله است و او هم علاقه زیادی به بازیگری دارد.

□ برای اولین بار در کدام فیلم بازی کردید و اساساً چطور شد که به بازیگری روی آوردید؟ در بازی در اولین کار چه احساسی داشتید؟

امید آهنگر: پدر من مدیر تدارکات سینماست، قبل از آن در تلویزیون کار می کردند، چهار ساله بودم که پدرم مرا برای بازی در کار تلویزیونی عیددیدنی بردند و این کار اولین فیلمی بود که من بازی کردم. راستش وقتی که برای اولین بار جلوی دوربین ظاهر شدم، می ترسیدم و اضطراب زیادی داشتم و خوب این ترس و اضطراب روی کارم تاثیر می گذاشت.

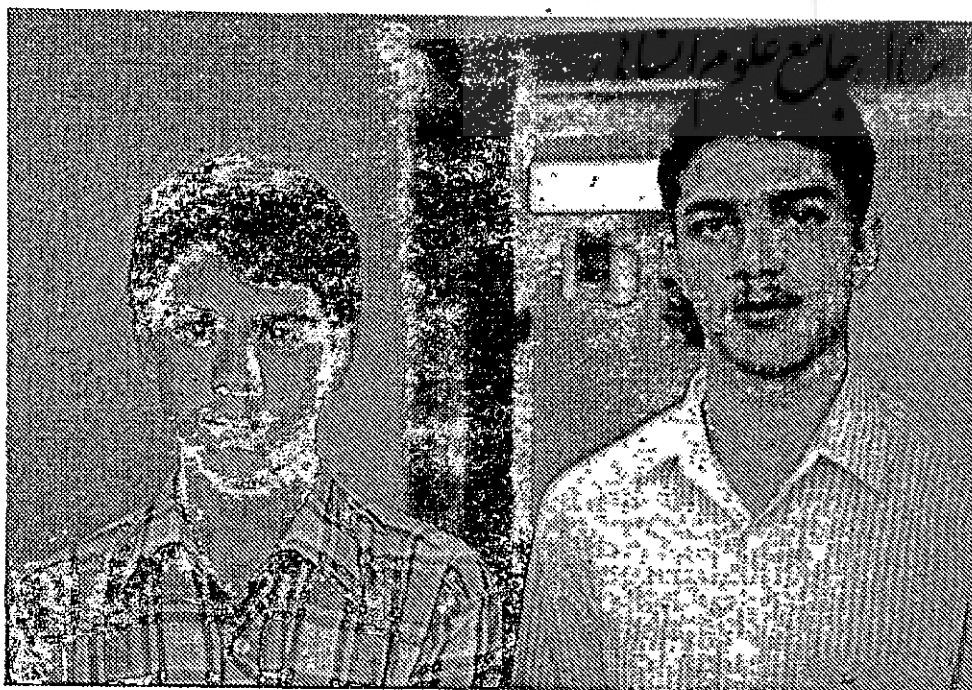
سعید شیخ زاده: پدرم دوستی دارد به نام آقای کشفی که دستیار فیلمبردار بود ایشان به پدرم پیشنهاد داد تا من در فیلم مرک پلنگ به کارگردانی آقای فریبرز صالح بازی کنم، به اتفاق پدرم به دفتر آقای صالح رفتیم یک سری تست از من گرفته شد و بعد هم برای بازی در نقش یک

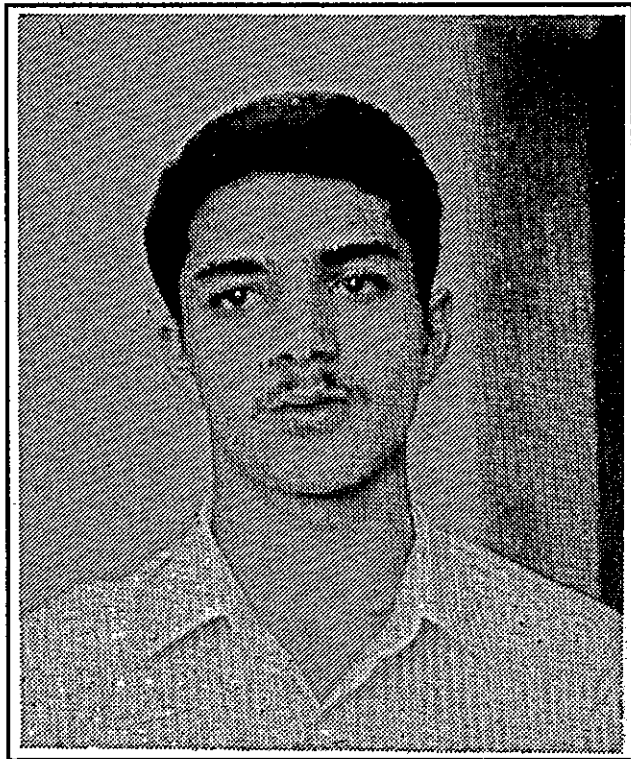
پسر بچه ایل بختیاری انتخاب شدم، آن وقت ده ساله بودم و قبیل از این کار اصلاً سینما را نمی شناختم، بیشتر به دنبال بازی فوتبال بودم وقتی که جلوی دوربین رفتم دیدم مقداری نور روشن کرده اند و همه منتظر من هستند، از برخورد با این جمع می ترسیدم ولی به تدریج با محبت و علاقه ای که در جمع دیدم به سمت گروه جذب شدم.

سیام محمدپور: از طریق دوستان پدرم به آقای صدرعاملی معرفی شدم و پس از اینکه انتخاب شدم در فیلم سمفونی تهران کار آقای صدرعاملی بازی کردم، نقش پسر بچه شیاطانی را بازی می کردم که با همه چیز مخالف بزد و فقط می خواست حرفهای خودش را بزند. وقتی که انتخاب شدم احساس یخ‌خصوصی داشتم یعنی آدم احساس می کند مسئولیتی را بردوش گرفته و ممکن است از عهده آن برتیاید، ولی به هر حال با یاری خدا از پس نقش برآمدم. البته قبل از آن هم در یک برنامه تلویزیونی نقش خیلی کوتاهی بازی کردم.

□ تا به حال در چه کارهایی به عنوان بازیگر حضور داشتید؟

امید آهنگر: عیددیدنی که اولین کارم بود، بعد از آن در سریال تلویزیونی علی کوچولو، تئاتر تلویزیونی گل یاس، اسلحه چوبی و مداد پاک کن بازی کردم، فیلم ماجرا را هم به این مجموعه باید اضافه کرد. فیلم های سینمایی که بازی کردم عبارتند از: شرایط عینی (احمد رضا کرشاسبی)، حیریم مهرورزی (رحمان رضایی)، غبار مرگ (علی قری تن)، بهترین بابای دنیا (داریوش فرهنگ)، علی و غول جنگل (رسام و بیرنگ)، راز چشمه سرخ (علی سجادی حسینی). آخرین کار تلویزیونی من سریال خاطره ها کار آقای داریوش مودبیان است. فکر می کنم بعد از آقای سعید شیخ زاده یکی از پرکارترین بازیگران در حیطه





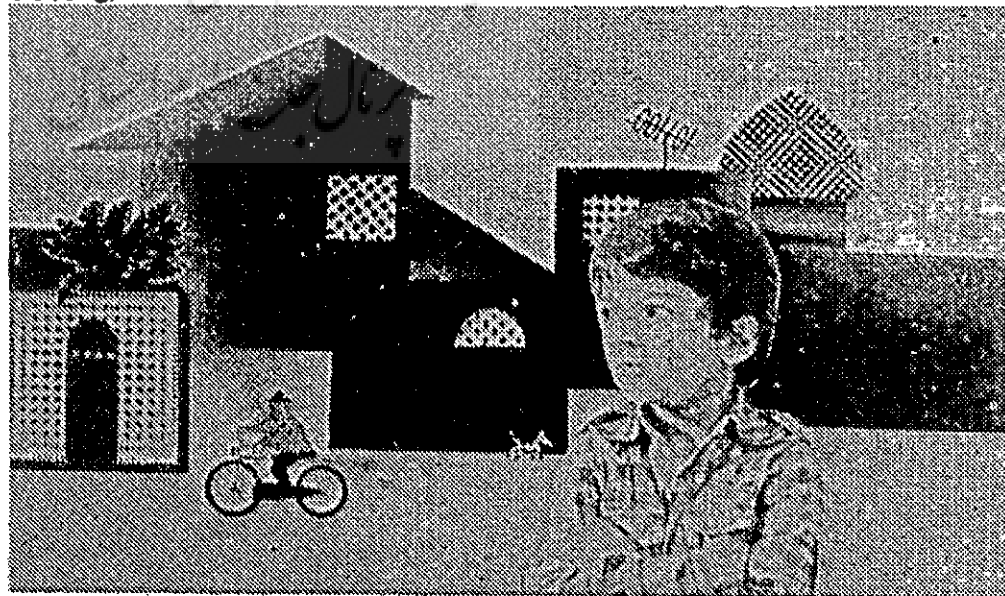
من علاقه داشتمند و پدرم در بیشتر کارهایم حضور داشت و به من کمک می کرد.

سام محمدپور: پدرم و مادرم همیشه مشوق من بودند، خیلی چیزها را من از پدرم یاد گرفتم؛ در خانه پدرم با من تمرین می کرد تا بتوانم نقش مورد نظر در فیلم را بهتر بازی کنم. پدرم تکنسین فنی واحد رپرتاژ تلویزیون بود و وقتی که به خانه می آمد در این مورد با من حرف می زد و تا حدودی همسین برخوردها مشوق من برای کار بازیگری بود.

□ هنگام بازی در فیلم با درس و مدرسه چه می کردید؟
امید آهنگر: خوب، وقتی که به طور متوالی درگیر بازی در فیلم بودم، مشکل پیش می آمد،

اغلب وقتی می آمدند برای قول و قرار کار، می گفتند معلم خصوصی می گیریم و... اما خوب بعضی ها عمل نمی کردند، بعضی وقت ها هم پیش می آمد که سه ماه نمی توانستم به مدرسه بروم، با مشکل درستی مواجه می شدم، بعد از کار در برنامه تلویزیونی (توپولی) قرار بود معلم بگیرند و خلاصه طولانی شد، بعد که به مدرسه رفتم، بخاطر غیبت هایم قبول نکردند که به مدرسه بروم، خلاصه مادرم رفت آموزش و پرورش منطقه و با مسئولین صحبت کرد تا بالاخره پذیرفتند. در لحظه ای که مدیر می گفت دیگر نمی توانی به مدرسه بیایی، با خودم عهد کردم دیگر بازی نکنم و حتی به پدر و مادرم گفتم که دیگر بازی نمی کنم اما به خاطر علاقه ای که داشتم باز هم این کار را ادامه دادم.

علی کوچولو



امید آهنگر: به نظر من جشنواره کودکان و نوجوانان باید بیشتر در اختیار کودکان و نوجوانان باشد ماهم باید سهمی در این جشنواره داشته باشیم

سعید شیخ زاده: همیشه درس برایم مهمتر بود و فکر می کردم اول درس بعد سینما و تلویزیون، بخاطر همین هیچوقت از نظر درسی مشکل نداشتم. شهرستان هم که بودم، درس هایم را سر صحنه می خواندم و یا وقتی در هتل بودیم، هیچوقت از نظر درس خواندن برایم مشکل پیش نیامده است.

سام محمد پور: با اینکه درگیر کار فیلمبرداری بودم، اما خدایاری کرد و هر سال با معدل خوب قبول شدم. البته وقتی مشغول کار فیلم بودم، معلم خصوصی داشتم و به نظر من درس مهم تر است و نباید فدای کار بازیگری شود.

□ شما اهل مطالعه هم هستید؟

امید آهنگر: بله، با توجه به رشته تحصیلی ام نماینده نامه زیاد می خوانم آثار ایرانی و خارجی، آخرین کتابی که این اواخر خوانده ام میانی بازیگری و کارگردانی است.

سعید شیخ زاده: من سعی می کنم همیشه وقتی را برای مطالعه بگذارم. و هر وقت کتاب خوبی بدستم می رسد می خوانم. کتابهای علمی را بیشتر دوست دارم و همینطور ادبیات و شعر و داستان.

سام محمد پور: بیشتر رمان می خوانم خیلی به خواندن این علاقه دارم آخرین کتابی که خوانده ام غرش طوفان اثر الکساندر دوما است که از چهار ماه پیش شروع کرده بودم و حدود یکماه قبل تمام شد. جذابیت زیادی در این رمان وجود داشت. کتاب جالب و قشنگی بود.

□ به جز مطالعه و درس و کار بازیگری در چه زمینه هایی فعالیت می کنید؟

امید آهنگر: من در رشته تکنندو فعالیت می کنم و همینطور شنا و سوارکاری. چون اعتقاد

سینمای کودک و نوجوان بوده ام.

سعید شیخ زاده: در تلویزیون کارهایی که بازی داشتمه ام تا آنجایی که یادم می آید، این ها هستند: میان پرده های بهارانه (رسول نجفیان)، سریال چاق و لاغر (امیر قهرایی)، شیخ مفید (فریبرز صالح)، میثاق (کاظم بلوچی)، آهنگ پنهان (ایرج کریمی)، خاطره (رضا مقدم)، اشک بوسنی (رضا مقدم)، در فیلم های سینمایی زیر هم بازی کرده ام: ساده لوح (مهدی فخیم زاده)، سفر جادویی (ابوالحسن داوودی)، علی و غول چنگل (رسام و بیرنگ)، شقایق (مجید قاری زاده)، دره شاپرک ها (فریال بهزاد)، خوش خیال (مهران تائیدی)، حسنگ (مهستی بدیعی)، آبادانی ها (کیانوش عیاری)، گالان (امیر قویدل)

سام محمدپور: البته فعالیت های من محدود است و چون از کودکی شروع نکرده ام، صرفاً در چند کار بیشتر بازی نداشتم: بچه ها مواظب باشید که یک کار تلویزیونی بود، و در فیلم های سینمایی سمفونی تهران (رسول صدرعاملی) و می خواهم زنده بمانم (ایرج قادری)

البته من از دوران کودکی، حتی در مهد کودک و مدرسه در گروه سرود و تئاتر فعالیت می کردم، اما اونوقت ها به این مساله فکر نمی کردم که بتوانم فیلم بازی کنم.

□ نقش خانواده در فعالیت های سینمایی شما چگونه بود، مخالف بودند یا موافق؟

امید آهنگر: خانواده همیشه موافق بودند، البته در بعضی وقت ها که با مشکل درس زوپرو می شدم، خوب آنها مخالفت می کردند و می گفتند که دیگر نباید به فیلم و سینما و تلویزیون بروی و فقط درس بخوانی، اما بعدها به خاطر علاقه من موافقت می کردند به شرطی که درس و مشق من با مشکل روبرو نشود. الان خواهرم آرام و برادرم کاوه نیز در بازیگری فعالیت دارند.

سعید شیخ زاده: پدر و مادرم به کار بازیگری



دارم یک بازیگر باید به همه چیز مسلط باشد. در موسیقی هم خوب می توانم تنبک بزنم تجربه ای در این رشته دارم

سعید شیخ زاده: در ورزش به فوتبال و پینگ پنگ و بسکتبال خیلی علاقه دارم و کار می کنم. در آموزش و پرورش منطقه ۵ رتبه اول مسابقات پینگ پنگ را بر سال ۷۱ بدست آوردم. من پیانو را خوب وارد هستم و سنتور و اکاردئون و ضرب را هم به صورت تجربی یاد گرفته ام.

سام محمدپور: در رشته های ورزشی به بسکتبال علاقه دارم و فعالیت می کنم
□ بعد از بازی در فیلم یا سریال تلویزیونی و پخش آن ها، دیگران با شما چگونه برخورد می کردند و شما چه احساسی داشتید؟

امید آهنگر: شاید سریال تلویزیونی علی کوچولو، شاخص ترین کار من در دوران کودکی باشد، بد نیست اشاره کنم که قبل از بازی در علی کوچولو، دو کار تلویزیونی دیگر هم داشتم که در هر دو کار خانم کاپلی بازی می کردند و اتفاقاً ایشان مرا! برای بازی در نقش علی کوچولو معرفی کردند، این کار سه ماه طول کشید و وقتی که از تلویزیون پخش شد، خیلی خوشحال شدم و شاید بعد از پخش شدن این سریال بود که به کار بازیگری بیشتر علاقه مند شدم. در همان دوران وقتی که با بچه های هم سن و سالم برخورد می کردم. مرا به اسم علی کوچولو صدا می کردند و بعضی وقت ها هم ادیت می کردند و یک نوع حالت بچه گانه بودن را به رخ من می کشیدند که تا سالها این موضوع بود. هنوز هم بعضی وقت ها مرا با عنوان علی کوچولو صدا می کنند. البته حالا که به علی کوچولو نگاه می کنم، احساس خوبی

دارم. یکروز یکی از آشنایان می گفت: اگه تو به هشتاد سالگی هم بررسی علی کوچولو را پخش می کنند و باز هم تو همان علی کوچولو هستی. من هیچوقت دچار غرور نشدم که من بازیگرم، البته بعضی ها در جمع انگار خیلی از خودشان راضی هستند، هنرمند باید مردم دار و متواضع باشد و در بین مردم، من مردم را دوست دارم و به خاطر آنها کار می کنم. به هر حال من از اینکه علی کوچولو بودم و هستم خیلی راضی و خوشحالم.

سعید شیخ زاده: بعد از نمایش فیلم هایم، خوب ارتباطها فرق کرده بود، بیشتر بچه ها به من توجه داشتند و دیگران به گونه ای دیگر بام من برخورد می کردند. اما من همیشه دوست

داشتم مثل دیگران باشم و با همه یکسان برخورد کنم.

سام محمد پور: بعد از اکران فیلم می خواهم زنده بمانم، احساس من، حس خوبی بود، احساس می کردم بین این همه انسان که عاشق کار سینما هستند. من انتخاب شده ام و این برای من افتخار بود، فامیل و دوستان از بازی من تعریف می کردند، البته من هیچوقت احساس برتری بر دیگران نداشتم.

□ برخورد کارگردانها با شما چگونه بود؟ مشکلی نداشتید؟

امید آهنگر: کارگردان ها هر چیزی می گفتند من گوش می کردم و اگر تعریف از خود نباشد چون هوش خوبی داشتم کارها را زود و خوب انجام می دادم، مادرم می گوید که هوش تو و برادرت (کاوه) خیلی خوب است، الان هم کاره کار

می کند، وقتی که کارگردان برایش توضیح می دهد، او مشغول بازی و شیطنت است اما خوب گوش می کند و جلوی دوربین کارش را دقیق و درست انجام می دهد.

سعید شیخ زاده: هیچوقت مشکل و درگیری خاصی نداشتم. البته در کار دوبله بعضی وقت ها با مشکل مواجه می شوم. در یک کار نمی توانستم خوب بخندم و هر چه تلاش کردم درست انجام نشد، آخر دیگران مرا قفلک دادند تا کار درست شد. معمولاً کارگردانها از روش های مختلفی برای بازی گرفتن استفاده می کردند

سام محمد پور: در فیلم می خواهم زنده بمانم، آقای قادری برخورد بسیار خوبی داشتند، ایشان کارگردان خیلی خوبی هستند، در تمام مدت کار با ایشان هیچ مشکلی نداشتم. هر توضیحی که ایشان می دادند من سعی می کردم انجام بدهم.

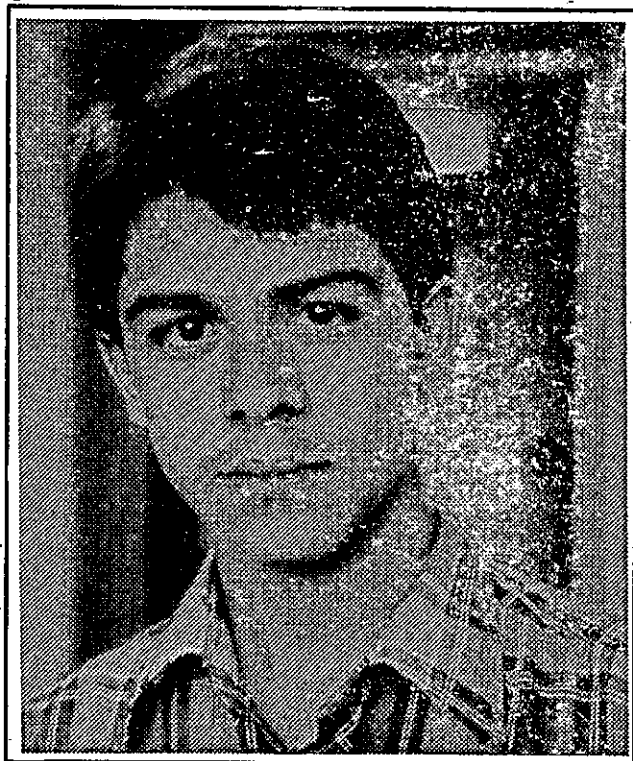
□ برای آینده خودتان چه تصمیمی گرفته اید، آیا بازیگری را ادامه می دهید؟

امید آهنگر: علاقه قلبی شدیدی به بازیگری دارم. قبل از اینکه وارد هنرستان صدا و سیما هم بشوم این علاقه بود. سال گذشته یک نمایش را بازی و کارگردانی کردم که در جشنواره فنی حرفه ای تهران جایزه کارگردانی گرفتم. من بیشتر به کارگردانی در سینما فکر می کنم و دوست دارم در کنار آن کار تئاتر هم انجام بدهم. به نظرم بازیگر باید از تئاتر شروع کند و بعد به سینما برود، چرا که در تئاتر نوع بازیگری غنی تر و کامل تر است در حالی که در سینما بازیگری لحظه ای است. البته به نظر من بازیگری شغل ثابتی نیست، فردا کسی دیگر می آید و جای مرا می گیرد، سینمای ما در حال حاضر این شیوه را دارد و فکر می کنم باید در کنار بازیگری انسان شغل ثابتی داشته باشد.

سعید شیخ زاده: علاقه دارم کارم را ادامه بدهم. به نظر من بدون هنر نمی شود زندگی کرد. از طرفی دوست دارم مهندس کامپیوتر بشوم و



سعید شیخ زاده: به نظر من بدون هنر نمی شود زندگی کرد



در ذهن خودم جا بدهم، همه اش می گفتم من سام نیستم، من بارید حیدری هستم و بالاخره شد. شاید برای همین این فیلم را خیلی دوست دارم.

□ بچه نظر شما ویژگی های فیلم های کودکان و نوجوانان در چیست؟

امید آهنگر: فکر می کنم در این فیلم ها باید خصوصاً کودکان و نوجوانان وجود داشته باشد و نویسندگان و کارگردانان با بچه ها و نوجوانان معاشرت داشته باشند. تا نوجوانان چون نه کودکند و نه بزرگسال بیشتر آسیب پذیرند. در فیلم های کودکان باید نکات طنز، شادی و موسیقی باشد و همینطور از خود بچه ها استفاده شود. فیلم ها و سریال ها باید با اخلاق و خصوصیات و

در کنار آن به بازیگری هم ادامه دهم. اگر روزی مجبور به انتخاب شوم، ترجیح می دهم هنر را انتخاب کنم و اگر بشود در کنار بازیگری به فیلمبرداری و کارگردانی هم بپردازم.

سام محمد پور: هنرپیشگی برای من اصل نیست، تمام هنرپیشه ها الان این کار را به عنوان شغل دوم دارند، شاید به نوع تفریح، من هم دوست دارم اگر بخواهم بازیگری را ادامه بدهم به عنوان شغل دوم من باشد. به خاطر همین هم بخاطر فشار درس کمتر کار بازیگری می کنم.

□ اگر قرار باشد از میان کارهایی که تاکنون به عنوان بازیگر در آن ها حضور داشته اید چند کار را انتخاب کنید، این انتخاب ها کدام است؟

امید آهنگر: علی کوچولو، فکر می کنم توضیح دیگری برایش نداشته باشم، علی و غول جنگل، بهترین بابای دنیا و راز چشمه سرخ راز چشمه سرخ را بخاطر اینکه، در سنی بودم که می فهمیدم کار چی هست و می توانستم رابطه بهتری با کار برقرار کنم.

سعید شیخ زاده: گالان بخاطر قصه و نقشی که من در این فیلم بازی کرده ام شقایق، داستان فیلم و نقشی که به نظرم خیلی زیبا بود آبدانی ها، چون خودم را بازی می کردم، پیسری کم حرف و خجالتی.

سام محمد پور: چون تعداد فیلم هایی که بازی کرده ام محدود است، شاید انتخاب معنایی نداشته باشد. اما در فیلم می خواهم زنده بمانم، شخصیتی که بازی می کردم (باربد)، نقشی عجیب و پیچیده بود. چون واقعاً کسی را ندیده بودم که اینقدر تودار باشد و منزوی، مشکلات داشته باشد و تنها و گوشه گیر باشد برای من خیلی سخت بود که در این نقش فرو بروم و فکر نمی کردم این نقش را بتوانم بازی کنم، برعکس در سمفونی تهران نقش بچه شیاطنی را داشتم که ساده بود. به هر حال سعی کردم تمام مشکلات نقش را برایم خودم تحلیل کنم و بالاخره

آداب و فرهنگ و رسوم نوجوانان و کودکان امروزی مطابقت داشته باشد. مثلاً همین سریال در پناه تو... سریال خوبی نیست. و از نظر تکنیکی هم خوب نیست اما همینکه در مورد زندگی دانشجویان معاصر است. جذابیت دارد.

سعید شیخ زاده: فیلم های کودکان و نوجوانان باید در درجه اول جذاب باشد و بعد هم نو و امروزی باشد. در مورد نوجوانان هم باید مشکلات آن ها را نشان بدهند. برخورد های آنها در خانه، مدرسه و محل و عدم درک شخصیت آنها در مدرسه و محل و خانواده از سوی بزرگسالان. درباره فیلمهایی که برای این قشرها ساخته می شوند باید در فیلم ها از کشت و کشتار و درگیری و خشونت دوری شود و فیلم ها بیشتر عاطفی باشند. البته سرعت و هیجان و شتاب لازمه نوجوانی و جوانی است ولی نه اینکه همه فیلم ها به

این موضوعات بپردازند.

سام پور محمد: فیلم هایی که برای کودکان و نوجوانان ساخته می شود باید آموزنده باشد خشونت نداشته باشد و شاد مفرح باشد. ما فیلم های کمدی در ایران کم داریم، فیلمی نبوده است که آدم را از ته دل بخنداند. در مورد آموزنده بودن در فیلم ها هم باید به صورتی باشد که از همان دوران کودکی به یادگیری بچه ها کمک کند و بعد هم در سنین بعد این یادگیری کامل شود. وقتی می گویم خشونت نباشد، چرا که روح کودک نوجوان لطیف است و با دیدن این صحنه ها روح لطیف او عوض می شود و جای خود را به خشونت و سختی می دهد.

تخیل و شاد بودن و سرگرمی خیلی خوب است، فیلم های تخیلی را الان بچه ها خوب می پسندند، چه ایرانی و چه خارجی. چرا فیلم پارک ژوراسیک اسپیلبرگ این قدر فروش می کند و مخاطب دارد. چون بچه ها دوست دارند، در این فیلم ماشین های مدرن امروزی به جنگ دایناسورها می روند. این تخیل ها را بچه ها و نوجوانان و جوانان دوست دارند.

□ در میان فیلم هایی که دیده اید و برای کودکان و نوجوانان ساخته شده اند چه فیلم هایی را دوست داشته اید و انتخاب می کنید؟

امید آهنگر: مدرسه پیرمرد ها، به نظرم فیلم خوبی بود، بازی خوب بازیگران و کارگردانی خوبی داشت. پاتال و آرزو های کوچک هم فیلمی شاد و آموزشی بود.

سام محمد پور: مریم و میتیل و تیک تاک فیلم های انتخابی من هستند و سفرهای کالیفور که از کارتون های مورد علاقه من است.



می خواهم زنده بمانم - ایرج قادری

سام پور محمد: ما فیلم های کمدی در ایران کم داریم، فیلمی نبوده است که آدم را از ته دل بخنداند

با توجه به اینکه شما به عنوان بازیگر در سینما و تلویزیون فعالیت می کنید. چه بازیگرانی برای شما الگو هستند و دوست دارید جای چه کسی باشید؟

امید آهنگر: من دلم می خورم جای خودم باشم، کاری انجام بدهم که دیگری نکرده باشد و شبیه کارم را کس دیگری نکرده باشد. می خوام هم خودم باشم، اما از بازیگرانی چون آقای عزت الله انتظامی، آقای محمد علی کشاورز، آقای خسرو شکیبایی و آقای پرویز پرستویی خوشم می آید. بازی آقای فریبرز عرب نیا در فیلم ضیافت هم خوب بود. البته کارگردان در گرفتن بازی از بازیگر نقش مهمی دارد.

سعید شیخ زاده: از بازی آقای خسرو شکیبایی خوشم می آید، چون کار ایشان فوق العاده است، در سریال مثنای خون با ایشان بازی داشتم، هر وقت بازی می کرد من شیفته کار ایشان می شدم، در تمرین ها و در برداشته های مختلف با دقت بازی ایشان را زیر نظر داشتم.

سام پور محمد: الگوی من در بازیگری میکی رونی است، همیشه آرزو داشتم و دارم یک روز به جای او باشم و بتوانم مثل او بازی کنم.

اگر قرار باشد یکی از خاطرات دوره بازیگری خودتان را تعریف کنید. کدام خاطره است؟

امید آهنگر: در اولین کارم، بچه مردم یک صحنه ای بود که باید یک ماشین بنز قدیمی در وسط میدان حسن آباد تهران بامن تصادف می کرد. به من نگفته بودند که صحنه چیست. پدرم پشت ماشین نشسته بود و من از خیابان رد می شدم، دیدم ماشینی با سرعت می آید و هیچکس هم توجه نمی کند، ماشین زد روی ترمز و من هم شروع کردم به گریه کردن. بعد از فیلمبرداری با پدرم تهر کردم و به او می گفتم که تو دیگه بابایی من نیستی. البته خاطره زیاد است و اگر قرار باشد همه را تعریف کنم که خیلی زمان می برد.

سعید شیخ زاده: در فیلم سینمایی دره شاپرکها، مشغول به کار بودیم، در صحنه ای من به اتفاق امید آهنگر و شاهد احمدلو سوار پراسب بودیم و به اصطلاح کنترل اسب به عهده من بود، همه چیز آماده شد، دوربین حرکت و بعد مسئول نگهداری اسب محکم زد زیر شکم اسب. اسب هم با سرعت شروع به حرکت کرد و رسید جلوی آتش و دود یک لحظه کپ کرد و همه واژگون شدیم، دست راست من شکست و حدود سه ماه در گچ بود. و مجبور بودم تا پایان کار با دست شکسته بازی کنم. در فیلم شقایق هم به خاطر این شکستگی یک دیالوگ اضافه کردیم که دست من شکسته است. یک خاطره شیرین هم حضور در فیلم خوش خیال بود، مشکلی نداشتم به قول بچه ها، دریا، هتل، جای و شیرینی!

سام پور محمد: در فیلم می خوام زنده بمانم، صحنه ای بود که من از فرط ناراحتی باید به قوطی نوشابه لگد می زدم، همه چیز آماده بود کار

شروع شد، من هم محکم لگد زدم به قوطی نوشابه، همه جا خیس شد جز لنز دوربین فیلمبرداری. در فیلم سمفونی تهران هم در یک صحنه باید من یک لیوان شیر می خوردم، من شیر نمی خورم و نسبت به خوردن شیر حساسیت دارم، به من دوغ می دادند، چند بار تمرین کردم و هلی دوغ خوردم و در برداشته نهایی می باید پس از خوردن به اصطلاح شیر من با دهن صدای آژیر در پیارم، از بس دوغ خورده بودم نتوانستم آژیر بکشم.

دراوقاتی که مشغول بازی در فیلم بودید، دوری از بچه ها و خانواده را چگونه تحمل می کردید؟

امید آهنگر: معمولاً در خیلی از کارها پدرم حضور داشت، خوب البته آدم وقتی در سنین کودکی از همبازی ها و خانه و خانواده دور می شود، کمی سخت است ولی آنقدر درگیر کار و فضای آنجا می شدیم که زیاد دوری از بچه ها سخت نبود.

سعید شیخ زاده: معمولاً در کارهایی که به شهرستان می رفتیم، پدرم همراه من بود و حضور ایشان باعث می شد که سخت نگذرد. بعضی مواقع هم در تعطیلات تابستان درگیر بازی در فیلم می شلیم، در ایام فیلمبرداری هم آنقدر درگیر بودیم که زیاد به فکر محیط خارج از فیلمبرداری نبودیم. در ایام فیلمبرداری، من وقتی که کار نداشتم بیشتر روی دوربین و مسائل فنی فیلمبرداری دقت می کردم.

سام محمد پور: بعد از کار فیلمبرداری، شب ها که به خانه می رفتم، آنقدر خسته بودم که می خوابیدم، در طول فیلمبرداری هم کمتر به این موضوع فکر می کردم، تنها کاری که دوست داشتم بعد از فیلمبرداری انجام بدهم خواب بود، بعد هم روز بعد به زور بیدارم می کردند که بروم برای فیلمبرداری.

نظراتان درباره جشنواره بین المللی فیلم های کودکان و نوجوانان چیست؟

امید آهنگر: جشنواره کودکان و نوجوانان کار ارزشمندی است، اما فقط در اسم متعلق به کودکان و نوجوانان است، خیلی از هنرمندان هستند درباره فیلم های کودکان و نوجوانان نظر می دهند. کسی که داور جشنواره کودکان و نوجوانان می شود باید به خصوصیات کودکان و نوجوانان آشنا باشد. باید کسانی که در این زمینه کار کرده اند نظر بدهند. داوران کودک نوجوان هم باید کسانی باشند که خودشان در این کار بوده اند و بازی کرده اند و تجربه دارند. اینطور هم یادی از کودکان و نوجوانان بازیگر می شود. به نظر من این جشنواره باید بیشتر در اختیار کودکان و نوجوانان باشد، ما هم باید سهمی در این جشنواره داشته باشیم.

سعید شیخ زاده: من یکسال در جشنواره بودم فیلم حسبتک و همیظور دره شاپرکها، اگر می شد بچه ها حضور بیشتری در جشنواره داشته

باشند خیلی بهتر می شد، البته در بخش داوری این اتفاق افتاده است. اما سوال من این است چرا بچه ها و نوجوانانی که در سینمای کودک و نوجوان فعال بوده اند به این جشنواره دعوت نمی کنند؟ مگر باید فیلم داشت تا دعوت بشوی؟ ما کله داریم از مسئولین جشنواره که کمتر به ما توجه می کنند.

سام پور محمد: من تا به حال در این جشنواره نبوده ام.

امید آهنگر: اگر فیلم می بینید، بیشتر چه نوع فیلم هایی را دوست دارید؟

سعید شیخ زاده: معمولاً در ایام جشنواره ها و همینطور در وقت های بیکاری به سینما می روم. تقریباً همه نوع فیلمی را دوست دارم.

سام پور محمد: تقریباً زیاد فیلم می بینم، هفته ای دو یا سه بار. من بیشتر فیلم های لطیف و عاطفی را دوست دارم مثل همین فیلم می خوام زنده بمانم

اولین بار که فیلم می خوام زنده بمانم را دیدی چه احساسی داشتی؟ از بازی خودت راضی بودی؟

سام محمدپور: اولین بار فیلم را در اکران خصوصی دیدم، بیشتر به بازی خودم توجه کردم تا اشکالات کارم را ببینم، آقای قادری خیلی حساس بودند و کوتاه نمی آمدند و تا لحظه ای کامل نمی شد، کار ادامه داشت، از دیدن بازی خودم احساس آرامش داشتم، تا وقتی که صحنه های من تمام شد، از آنجا به بعد بیشتر جذب فیلم شدم و مثل تماشاگر عادی فیلم را تا آخر با اشتیاق نگاه کردم.

به عنوان آخرین سوال چه پیامی برای هم سن و سال های خودتان دارید؟

امید آهنگر: به نظر من بازیگری باید در ذات آدم ها باشد. البته تا حدودی در وجود همه آدمها هست، ولی بعضی ها از روی علاقه و دیدن فیلم می خواهند بازیگر شوند، بعضی ها هم به خاطر شهرت وارد این عرصه می شوند و خیلی ها هم به خاطر ظواهر این شغل.

اما باید زحمت کشید و مزارت دید، باید فعالیت کرد و این کار آسان نیست. کسانی که این موضوع (بازیگری) را سهل می گیرند خیلی زود سرخورده می شوند.

سعید شیخ زاده: اگر بچه ها و نوجوانان علاقمند به این کار هستند اول باید درس بخوانند و اگر مطمئن شدند که در این راه موفق هستند وارد این حیطه شوند، چرا که هیچ کاری را نمی شود با زور انجام داد.

با تشکر از شما عزیزان که در این گفتگو شرکت کردید، امیدوارم در آینده نیز موفق باشید.